

امیدی برای آینده.



Foto: Pixabay

او به من گفت: «تمام شد! من الف و یاء، اول و آخر هستم. این است امتیاز کسی که پیروز شود؛ من به تشنگان از آب چشمه حیات، رایگان خواهم بخشید (مکاشفه 21؛6)

من کلمه Flatrate به معنی بدون مرز را اولین بار در زمان بستن قرارداد تلفن همراه خودم متوجه شدم. و آن یعنی می توان بدون هیچ مرزی همیشه از تلفن و اینترنت استفاده کرد. و این کلمه رفته رفته جای خودش را در همه جا باز نموده است مثل قهوه و سوسیس زیاد یا پارتنری

بدون پایان یا ابجو زیاد. ما باید این را بدانیم که هیچ چیز بدون مرزی وجود ندارد. برخی اوقات ما پول بیشتری نسبت به آن چیزی که استفاده کرده ایم را می پردازیم. و این یک نوع روش تبلیغاتی می باشد تا آنها بتوانند محصولات خودشان را بفروشند. امروز ما در اولین روز سال نو نگاهی به آخرین فصل انجیل می اندازیم. و در آنجا خدا می خواهد که یک چیز بدون مرز را به ما هدیه بدهد یعنی محبت، بخشش و اجتماع. و اینها همه بدون هیچ بسته بندی های گول زنده می باشند زیرا در نزد خداوند هیچ دروغی وجود ندارد. در نزد خدا همیشه محبت حقیقی و خوبی بی پایان قرار دارد. در اولین فصل کتاب انجیل نیز ما از این محبت حقیقی می شنویم. و حالا در آخرین فصل کتاب انجیل نیز دوباره این آمده است. ما می توانیم این را بگوییم که اولین و آخرین فصل کتاب انجیل داستان انسان را بیان می کند که انسان ها را در اغوش گرفته است. اولین و آخرین فصل انجیل این را نشان می دهد که انسان چه هدیه با ارزشی را از خداوند دریافت کرده است. این هدیه همانند آن قراردادهای گواشی همراه و یا مثل بادکنکی نمی باشند که به یکباره از بین بروند. بلکه آن خیلی با ارزش می باشد. در اولین فصل انجیل خدا روح خودش را به همه هدیه می دهد. انجایی که خدا در بدن انسان زندگی بخشید، آدم هدیه جاودان خودش را دریافت کرد. ولی در ادامه ما در انجیل می خوانیم که انسان ها چطور این هدیه با ارزش را دور انداخته اند. زیرا انسان ارتباط خودش را با خدا از بین برده بود. و در ادامه و در تمام انجیل این را می خوانیم که خدا چطور قصد دارد تا این ارتباط را دوباره به هم وصل کند. و در آخرین ایه ها از آخرین فصل از انجیل ما خلاصه خوبی از کلام خدا می بینیم. خدا می گوید که او روح خودش را برای ما خواهد روانه کرد تا ما با آن زندگی کنیم. همانطوری که در ابتدا خدا در ما دمید. اکنون هم می بایستی همین اتفاق رخ بدهد. و خدا می خواهد بدین ترتیب تشنه بودن ما را به زندگی از بین ببرد. همان کلامی که ما امروز از مکاشفه خواندیم راه حلی برای تمام روزهای سال جدیدمان می باشد. و او یک هدیه بزرگی به ما می دهد و آن هم خود او می باشد. و این خیلی گران می باشد زیرا خدا خودش با آن شکوه خودش به سوی ما آمده است تا به ما زندگی تازه ای هدیه بدهد. و خدا خودش چشمه حیات ما می شود. و حال این اب حیات بخش به چه معنی می تواند باشد. در انجیل اب زلال همواره نماد روح خدا می بود. که در بدن یک انسان می توانست قرار داشته باشد. و اب کثیف می توانست نمادی از شیطان تلقی شود. نکته مورد نظر این است که ما در زمان مطرح شدن این دو اب تمیز و کثیف، نمی توانیم تفاوت بین آنها را از هم تشخیص بدهیم. ما معمولاً دنبال چیزهایی می رویم که تشنگی ما را نمی تواند از بین ببرد. امروزه آدم می تواند این چیزها را به خوبی ببیند و این تشنگی ما که در وجدان ما قرار دارد این تشنگی را تشخیص نمی دهد. در یک رابطه دوستی ما بخوبی رفتار نمی کنیم و این باعث جدایی می شود. و خوبی های زندگی را از بین می بریم. و ما در زندگی خودمان همانندی که در یک لجن گرفتار شده ایم باقی می مانیم و بوی بد آن تا اسمانها نیز می رود. وقتی که من دارای حق انتخاب باشم تا یک اب تمیز یا یک اب کثیف را انتخاب کنم من می دانم که انتخاب من چه می شود. بلکه در زمانی که ما انسان ها بخواهیم تصمیماتی را برای زندگی مان بگیریم اغلب در راههای اشتباه قرار می گیریم و ما تصمیمات اشتباهی را اتخاذ می کنیم. بنابراین ما همیشه اب های کثیف را برای خودمان انتخاب می کنیم. و بدین ترتیب محبت مابین انسان ها از بین خواهد رفت و این اجتماع پایدار دیگر برقرار نمی ماند. شاید این امکان داشته باشد که یکی یا کسانی برای خودش هیچ آینده ای نبیند. در این میان عقل ما نیز نقش منفی بازی می کند. و معمولاً مغز مان دنبال کمک هایی از چیزهای غیر توانا می باشد. که به ما فقط زیان می رسانند. و اولین این اتفاقات با خرید یک دستگاه الکترونیکی برای بچه ها می باشد زیرا والدین وقت بازی با بچه را ندارند آنها این وسیله را برای او می خرند. و والدین تشنگی محبت خودشان را با الکل یا تلویزیون یا مواد یا کامپیوتر از بین می برند. ولی اینها همه جایگزین بدی هستند و ما در آخر نیز بی کمک باقی می مانیم. و تشنگی ما به محبت دوچندان می شود. خداوند این بازی های ما را از دور می بیند و او اجازه نمی دهد که ما اینگونه رفتار نماییم. این امور ما باعث این شد که خدا به سوی ما حرکت کند. او یک جایگزین بی ارزشی را برای ما نیاورده است. او هیچ جایگزینی را برای ما و

برای تسلی دادن ما روانه نکرده است تا ما از لحاظ امور اخلاقی بهتر شویم. او خودش شخصا به سوی ما آمده است و خودش را برای نوشیدن قربانی کرده است. عیسی مسیح در بین ما به عنوان یک خدا قرار دارد و او خودش را به صورت یک شراب در اختیار ما قرار داده است. او به سوی ما آمده است و امروز نیز ما را صدا می‌کند: من می‌خواهم به تشنگان زندگی حیات ببخشم و آن‌ها را سیراب کنم. ما خیلی خوشبخت هستیم که ما می‌توانیم در ابتدای سال جدید با سخنان عیسی سال خودمان را شروع کنیم. زندگی کردن در عیسی به یک شکل دیگری می‌باشد همانطوری که در نامه یوحنا آمده است ما از یک زندگی لجن زار به یک زندگی خیلی خوب که از یک چشمه پاک سرچشمه می‌گیرد حرکت می‌کنیم. عیسی در جایی با زنی سخن می‌گوید آن زن بسیار در مانده بود و تشنه زندگی حقیقی می‌بود. این خانم انقدر بدبخت بود که هیچ لذتی را از زندگی نبرده بود. این زن دارای 5 مرد متفاوت بود و او تمام لذت‌ها را چشیده بود و محبت‌های زیادی را دیده بود ولی ما از این داستان زن سامره ای می‌توانیم این را درک بکنیم که زندگی بدون خدا چگونه می‌باشد. ما انسان‌ها رابطه‌های زیادی را در خودمان داریم و ما از آن رابطه‌های چیزهای زیادی را می‌توانیم خلق بکنیم ولی ما باز هم در انتها تشنه محبت حقیقی می‌مانیم. امروزه شاید برخی از افراد به این افتخار می‌کنند که بدون خداوند زندگی می‌کنند. و شاید این راه برای مدت کوتاهی خوب بنظر آید ولی ما تنها رابطه ممکن خوب را که همان رابطه با خدا است را فراموش کرده ایم. از زمان‌های قدیم خدا عهد خودش را با ما بسته بود و ما اکنون با دریافت غسل تعمید می‌توانیم بار دیگر با عیسی یکی شویم. و از او نیز بنوشیم. آن زنی که در داستان چاه یعقوب قرار داشت برای بالا کشیدن آب بر سر چشمه می‌آید. شاید او نماینده همه ما انسان‌ها در بالای آن چشمه باشد. همه ما انسان‌هایی که در این سال 2018 هستیم. ما منتظر چه چیزی در این سال هستیم؟ آیا ما می‌توانیم دوباره در صلح زندگی کنیم؟ آیا من می‌توانم جایی در این دنیا زندگی کنم کار کنم و خانواده‌ای داشته باشم؟ ما همه انسان‌ها تشنه هستیم و بالای این چشمه قرار داریم. و ما امید داریم که برای ما چیزهای خوبی رقم بخورد. همچنین تجربه‌ها این را به ما نشان داده است که چه اتفاقی برای آن زن بر سر آن چشمه افتاده است و همچنین برخورد عیسی را با آن زن دیده ایم. و ما در این سال 2018 قرار داریم و عیسی نیز در کنار ما ایستاده است. ما نمی‌توانیم در داستان او به خوبی همه چیزها را ببینیم. ما برای پی بردن به حقیقت او فقط یک بار با سطل آب از چشمه نمی‌گیریم. و عیسی برای آن زن واکنش خنده‌آوری انجام می‌دهد و آن خانم بدون آب حیات بخش و سطل نیز زندگی جاویدان پیدا می‌کند. و در آخر نیز آن زن سطل خودش را در انجا رها می‌کند و به شهر بازمی‌گردد. او به سوی کسانی می‌رود که او قبلا از آنها دوری می‌کرد. آن زن با عیسی آشنا شد و همه چیز برای او بی ارزش شده بود. او از اینکه زندگی‌اش تغییر کرده تعجب کرده بود و او از خدای زنده چیزی چشیده بود. او یک شاهد زنده عیسی و روح خدا می‌باشد.

من می‌خواهم به تشنگان آب حیات بخش را بدهم. وقتی که عیسی این آب را مجانی در اختیار ما قرار می‌دهد این آب دیگر بی ارزش نیست. و این آب به قیمت جان خدا تمام شده است و آن خیلی ارزش دارد. و خدا خودش را برای ما ریخته است و از انجایی که ما از طریق این آب خدا را دریافت کرده ایم، می‌تواند این تشنگی ما سریعاً برطرف گردد. من برای شما یک سال پر برکت 2018 را آرزو می‌کنم.